



قریه‌ای بود و شهری شد!

تیت‌های امروز

در پی حمله تروریستی به مقر فرماندهی نیروی انتظامی در چابهار ۲ نفر شهید و تعدادی از نیروهای پلیس و مردم عادی زخمی شدند

ترور اقتصادی سفارشی



دولت کانادا عضو هیأت‌رئیسۀ هوآوی را به اتهام دور زدن تحریم‌های ایران دستگیر کرد

جنگ آمریکایی با هوآوی

■ چین ضمن رد هر گونه اتهامی خواستار آزادی فوری مدیر ارشد هوآوی شد

نگاهی به نامزد‌های جایزه جلال در آستانه برگزاری اختتامیه یازدهمین دوره این جایزه ادبی

جلال فراتر از یک جایزه

برد ۵ گله استقلال مقابل سپیدرود رشت

توفان آبی در شهر باران

روژنه

اکچوال کاپیتالیسم و ویر چوال کاپیتالیسم

■ امید رامز ■

در نظام اجتماعی دیجیتال امروز در شبکه‌های اجتماعی، طبقات اجتماعی جامعه کاپیتالیستی بروز یافته‌اند و طبقات پایین، متوسط و بالا موضوعیت دارند؛ از این رو، نظام طبقاتی «Actual» در جامعه کاپیتالیستی، خودش را در جامعه دیجیتالی فضای «Virtual» نشان می‌دهد و معیار طبقات نیز مشخص و بسته است به شهرت و ثروت افراد و محبوبیت‌شان از حیث مناسبات اجتماعی و واحد سنجش و اعتبار‌بخشی آن نیز، تعداد لایک‌ها و دنبال‌کننده‌هاست. سیستم هوشمند امتیازدهی یا امتیاز‌دایی از افراد در شبکه‌های اجتماعی، موجب پیدایش یک نظام طبقاتی موازی نظام طبقاتی اکچوال در فضای سایبر شده‌است. نظام طبقاتی اکچوال که محصول کاپیتالیسم است، یک نظام طبقاتی حرفه‌ای را در حوزه ویر چوال در نسبت با خود دارد.

بر این اساس، جامعه دیجیتالی طبقاتی، جامعه‌ای است که افراد، بسته به تعداد امتیاز‌های خود، شان طبقاتی دارند.

نکته اینجااست که کاپیتالسیسم اکچوال و ویر چوال در یک نسبت هم‌افزایی و سینرژیک با هم قرار دارند. کاپیتالیسم اکچوال حیات خود را وابسته به حیات کاپیتالیسم ویر چوال می‌بیند و لذا آن را تقویت می‌کند. سلبریتی‌ها و اینفلوئنسر‌ها قرار است تقاضا را تقویت کنند تا عرضه رونق بگیرد؛ متقابلاً امری بدیهی است که کاپیتالیسم ویر چوال بدون کاپیتالیسم اکچوال موجودیتی نخواهد داشت. این دو در «کیشه» به هم می‌رسند؛ کیشه «هزارپا»، کیشه «تی‌وی پلاس» یا حتی کیشه «هن و شما» کیشه، توافق برد - برد کاپیتالیسم اکچوال و ویر چوال است.

کاپیتالیسم کمی‌است، بنابراین کیفیت‌تاجایی معنا می‌یابد که مانع کمیت نشود؛ پس اگر کیشه را لودگی و سکچوالیته و ابتذال رونق می‌دهد، چه باک! اینجا نقطه و محل پیوند کاپیتالیسم با دموکراسی نیز هست. دموکراسی میل اکثریت (کمی) و هدایت خواص توسط عوام است. پس میل عوام به ابتذال هدایتگر رفتار کاپیتالیست است، زیرا او حیات خود و سرمایه (محبوبیت و شهرت) خود را در ارضای تماییل دُموس (عوام مخاطب) می‌بیند. از طرفی سلبریتی نیز بر دُموس (عوام) تاثیرگذار است، زیرا او رکن اصلی رسانه و رسانه نیز رکن چهارم دموکراسی است.

ادامه در صفحه ۱۳



آماده‌باش ۸۹ هزار نیروی نظامی برای سرکوب جنبش اعتراضی جلیقه‌زرد‌ها در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه

ارتش وارد می‌شود



■ کلیه اماکن توریستی پاریس از جمله برج ایفل و موزه لوور تعطیل شد

■ بازداشت ۷۰۰ دانش آموز فرانسوی

توسط پلیس

صفحه ۱۵

درباره نحوه مواجهه عصبی کارگزاران با یک مستند

پس کو این آزادی؟

باشید! پس کو این آزادی؟ ۴- مدتی است مستند «راه طی‌شده» علی ملاقلی‌پور- که نگاهی به زندگی مرحوم مهندس مهدی بازرگان دارد- بهانه‌ای برای بحث‌های داغ تاریخی و سیاسی در محافل دانشگاهی شده‌است. مستندی که به‌زعم نگارنده تلاش کرده نقدهای خود را مستقیم و بی‌اداهای روشنفکری درباره یکی از شخصیت‌های سیاسی معاصر، مطرح کند، برای آنها جوابی بیباید و فضایی گفت‌وگو پیرامون دهه‌های پرتلاطم ۵۰ و ۶۰ را ایجاد کند. گفت‌وگویی که حالا نوحافظه‌کاران سازندگی، جهنم» نیز منتقدانش را نواخت. آن عصبانیت و آن مواجهه البته ماندگار شد. آن دوران گذشت و امروز رسید و شرایط فعلی که همه دارند نتیجه مذاکرات و توافقی که به دست آمده را بسیار ملموس در زندگی روزمره خود مشاهده می‌کنند!

۲- دیروز ۱۶ آذر بود؛ یکی دیگر از همین فتره تاب‌ها و عصبانیت‌ها را از همین روز به خاطر داریم. سال ۸۳ وقتی رئیس دولت اصلاحات، خطاب به هواداران سابقش که می‌گفتند: «۸ ساله داری همین حرف‌رو می‌زی!» با تندی تمام گفت: «مگر چند نفرید؟ کاری نکنید بگم بیرون تون کنند آدم باشید». این حرف از دهان کسی درآمد که تا چند سال قبل‌تر از «ادم باشید»، در حضور دانشجویان درباره «آزادی» گفته بود. «وجهه اجتماعی دین در امروز و فردا، در گرو این است که جوری ما دین را ببینیم که با آزادی سازگار باشد (سوت و جیغ و هورای حضار). هرچه با آزادی مقابل شده است لطمه دیده است. دین اگر در مقابل آزادی قرار گرفته است، دین لطمه خورده است (دوباره دست و جیغ و هورا)».

۳- «تناقض» نشانه مشترک رفتارشناسی همه فرصت‌طلب‌های سیاسی است. درباره «آزادی» به کرات با همین تناقض از سوی کارگزاران، اصلاح‌طلبان، شبه‌روشنفکران، تجدیدنظرطلبان و نوحافظه‌کاران- یا هر اسمی که روزنامه‌های زنجیره‌ای سابق، امروز آن را نمایندگی می‌کنند- مواجهیم. زمانی، آنچنان از آزادی حد و مرز برمی‌دارند که سخن از «تظاهرات علیه خدا» هم به میان می‌آید و هر گونه «تقدس» تخطئه می‌شود و زمانی بعد یک شخصیت سیاسی سابق و درگذشته، آنچنان در نگاه زورنالیست‌های یافته طرفدار تظاهرات علیه خدا، مقدس و غیرقابل نقد جلوه می‌کند که تاب تماشای یک مستند- که از اسمش مشخص است مبتنی بر «سند» ساخته شده- را از آن می‌گیرد؛ از بی‌بی‌سی تا رسانه‌های کارگزاران صدای‌شان درمی‌آید. بابا کمی آرام

ادامه در صفحه ۱۲

گرانی بیدار است!

■ حسن معمولی ■

نگاه فارغ از اینکه تاثیر نقدینگی بر نوسانات بورس و بازار ارز چه بود یا اینکه راه‌اندازی کانال مالی اروپا چهقدر طول می‌کشد و یا اینکه مستندات ظریف درباره پولشویی را چه کسی درزیده، آنچه اکنون برای عامه مردم اهمیت دارد، قیمت شیر و ماستی است که بچه‌شان از مغازه سر کوچه می‌خرد. مردم کاری به این ندارند که سخن لیبرال‌هایی مثل عباس آخوندی و مسعود نیلی درست بود یا اقتصاد بازار آزاد اصلاً کیلویی چند است؟ قریب به اتفاق هم خواهند گفت بازار آزاد با بازار بسته اصلاً یکی است، فقط این قیمت‌های لامصب را بکشید پایین!

بخش اعظم تدبیر و ساماندهی این مساله حکما با وزارت صنعت، معدن و تجارت است؛ وزارتی که قبلاً مدیریتش با آقای شریعتمداری بود و یکی - دو ماه هم احتمال استعفايش از وزارتخانه نقل محافل خبری بود. شریعتمداری سرانجام پس از جنجال قاچاق ۵ هزار خودروی لوکس در زیرمجموعه‌اش ترجیح داد به وزارت کار برود! نمایندگان مجلس هم با فراغ بال این تغییر محل خدمت را از ایشان پذیرفتند(!) عملکرد شریعتمداری در کنترل التهاب بازارهای مختلف و نظارت بر قیمت‌ها، حتماً زیر ۱۰ بود. لذا کلیت دولت تصمیم گرفت با دلار موسوم به جهانگیری، برای کنترل هیجانات بازار وارد میدان شود. اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور ۹ خردادماه ۹۷ روبروی دوربین خبرنگاران اعلام کرد: «امروز برای ما قابل قبول نیست که هیچ کالایی به بهانه قیمت ارز افزایش یابد، چرا که هر واردکننده‌ای بخواهد کالا به کشور بیاورد می‌تواند با ثبت‌سفارش، ارز به قیمت ۴۲۰۰ تومان دریافت کند».

بعدها اما معلوم شد که کانال کشی ارز ۴۲۰۰ تومانی ظاهراً نه به طرف جیب مردم، که به سوی جیب دلال‌ها بوده‌است. لذا در وضعیتی که با شروع تحریم‌ها، کشور به ذخایر ارزی نیاز مبرم داشت، ۱۸ میلیارد دلار، زبان بسته، پودر شد و به هوا رفت! فی‌المثل بعداً مشخص شد برخی با ثبت شرکت‌های صوری در دوی، بدون وارد کردن هیچ کالایی و صرفاً با سندسازی، چند وقت بعد همان دلارهای ۴۲۰۰ تومانی را با قیمت چندبرابر در بازار آزاد فروختند! آقای جهانگیری اما همچنان اصرار داشت سیاست ارزی دولت مو لای درزش نمی‌رود و استاندارد و دقیق است! ایشان چند ماه پس از آغاز اجرای این سیاست خامناسوز هم تاکید داشت: «فروردین‌ماه

تصمیمات به‌موقع و درستی درباره منابع ارزی و ملی اتخاذ کردیم و خوشبختانه پس از اعلام آمریکا در خروج از برجام، توانستیم موضوع را به نحو مطلوبی مدیریت کنیم که کمترین تلاطمی در بازار اتفاق نیفتاد! اگر نقدی متوجه دولت باشد از این منظر باید ابراز شود که چرا این سیاست‌های جدید ارزی یک ماه زودتر اتخاذ نشد!» تصمیمات و اظهارات اشتباه دولت در تمام این مدت، از حمایت قاطع رسانه‌های اصلاح‌طلب و روزنامه‌های زنجیره‌ای برخوردار بود و با تیت‌رهایی چون «بازگشت اسحاق»، «معجزه جهانگیری» و... از آن شدیداً استقبال می‌شد. هدایت منابع ارزی به کانالی جز تأمین کالا‌های اساسی و پرواز نرخ ارز و گرانی سرسام‌آور کالا‌ها اما کم‌کم ماهیت اصلی سیاست دولت را آشکار کرد.

معاون ارزی بانک مرکزی در همین زمینه بازداشت شد و سپس مشخص شد ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی نیز ۶ ماه پیش از برکناری توسط رئیس‌جمهور، حکم انفصال از خدمت گرفته! سیف در همین زمینه از سوی دادستانی ممنوع‌الخروج شد. حسن روحانی اما بلافاصله با خلق یک پست جدید، وی را به سمت مشاور پولی و بانکی رئیس‌جمهور(!) منصوب کرد. آقای رئیس‌جمهور بعد هم طی مراسم آغاز سال تحصیلی در دانشگاه‌ها، از این برای‌مان گفت که: «لگژر از ۴۲۰۰ تومان برای واردات جنس به کسی دادیم تا در بازار ارزان بفروشد و تقلب نمی‌کرد ما شرایط دیگری داشتیم. یک عده سوءاستفاده‌گر و افرادی که منافع شخصی‌شان را بر کشور، نظام و ملت ترجیح می‌دهند متأسفانه داریم!» بله، متأسفانه داریم!

نتیجه تمام آنچه گفته شد، حالا همین شده که در بازار می‌بینیم. در حالی که با سیاست‌های صحیح مدیریت جدید بانک مرکزی، نرخ ارز پایین آمده‌است، قیمت کالا‌ها اما هر روز بالا و بالاتر می‌رود! بررسی قیمت کالا‌های منتخب دولت برای گرفتن دلار ۴۲۰۰ تومانی نشان می‌دهد این کالا‌ها فراغ از دریافت ارز دولتی، هر چه پرمصرف‌تر بوده، افزایش قیمت بیشتری را تجربه کرده‌اند! واقعیتی که نشان‌دهنده عدم مدیریت‌دولت بر بازار است. دولت و وزارت صنعت باید هر چه سریع‌تر با ورود جدی به این موضوع و برخورد عبرت‌آموز با گرانفروشان، قیمت اجناس را در سطح بازار واقعی کنند، در غیر این صورت با نزدیک شدن به پایان سال، عید نوروز، مردم روز‌های بسیار سختی در پیش خواهند داشت.

توفان در یک قدمی

قاره سبز

■ نوید مؤمن ■

اروپا روز‌های آرامی را سپری نمی‌کند! اگرچه «مانوئل مکرون» رئیس‌جمهور فرانسه موقتاً از اجرای قانون وضع مالیات بر سوخت عقب‌نشینی کرده اما نیروی محرکه‌ای به نام «جلیقه‌زرد‌ها» همچنان در خیابان‌های پاریس و دیگر شهر‌ها باقی مانده‌است تا پیگیر مطالبات خود از کاخ الیزه باشد؛ مطالباتی مانند کاهش مالیات بر درآمد افراد متوسط و فقیر، افزایش حقوق بازنشستگان و تأمین منافع اتحادیه‌های کارگری و کارگرانی که تحت حمایت این اتحادیه‌ها هستند، همچنان روی زمین باقی مانده‌است. از سوی دیگر، تعمیم اعتراضات فرانسه به ۲ کشور هلند و بلژیک، نشان داد قاره سبز استعداد بالقوه زیادی برای «طغیان علیه اروپای واحد» دارد. پیوستگی ساختار اقتصادی و اجتماعی کشورهای اروپایی، قدرت تاثیرگذاری و تاثیرپذیری آنها از یکدیگر را دوجندان کرده‌است. برآستی چه اتفاقی در اروپا در حال رخ دادن است؟ آیا «گذار از اروپای واحد» همچنان یک «یده‌انترزاعی» است یا تحت تاثیر حوادث چند سال اخیر در اروپا به «واقعیتی عینی» تبدیل شده؟

۱- «ژاک دریدا» [Jacques Derrida] فیلسوف پست مدرن در زمان حیات خود، از مفهومی به نام «واسازی» پرده برداشت. این مفهوم، در حقیقت مشهورترین اصطلاحی بود که این فیلسوف فرانسوی از آن در توجیه و تفسیر بسیاری از پدیده‌های فلسفی بهره می‌برد. واسازی [Déconstructio] مفهومی است که دریدا آن را به معنای از نو بنا نهادن یعنی ویران کردن و در عین حال ساختن به کار برد. به عبارت شفاف‌تر، صاحبان یک سبک یا ایده گاهی ناچار می‌شوند برای حفظ ایده‌های خود، بنیان‌های قبلی - که آن ایده روی آنها قابلیت تبلور داشته‌است - را ویران کرده و بنیان‌های جدیدی را بسازند. بنابراین، واسازی به تصمیم و اختیار خود صاحبان ایده و فکر انجام می‌شود. ۲- اتحادیه اروپایی‌ها هم‌اکنون در مرحله حساسی قرار گرفته‌است؛ وقوع بحران‌های مزمن سیاسی، اجتماعی و امنیتی در کنار یکدیگر سبب شده ضریب و میزان آسیب‌پذیری این مجموعه افزایش یابد. از سوی دیگر، در حوزه «تصمیم‌سازی جمعی» نیز سران اروپا قدرت مدیریت مسأله‌ای از جمله «برگزینی» و «بحران اقتصادی اروپا» را از دست داده‌اند. نباید فراموش کرد اعمال ۱۰ سال سیاست‌های ریاضتی و کاهش بودجه عمومی کشورهای عضو منطقه یورو، نتیجه مطلوبی برای شهروندان این قاره در پی نداشته و نمادهای بحران اقتصادی همچنان در حوزه یورو خودنمایی می‌کند.

۳- فراتر از آنچه ذکر شد، اتحادیه اروپایی با معضلی جدی به نام رشد جریان‌های ملی‌گرا و راست افراطی دست و پنجه نرم می‌کند. جریان‌های ضدمهاجرت که پس از ناکامی دولت‌های اروپایی در حل و فصل بحران اقتصادی و همچنین وقوع بحران مهاجرت در سال ۲۰۱۵ از اقبال عمومی بیشتری برخوردار شده‌اند، درصددند ضمن تسخیر پارلمان‌ها و دولت‌های اروپایی، به موجودیت «اروپای واحد» و نمادهای آن از جمله «واحد پول یورو»، «بیمان شننگن» و... خاتمه دهند. در حالی که تا ۸ سال قبل، کمتر کسی تصور راهیایی جریان‌های راست افراطی اروپا به قدرت آن می‌کرد، هم‌اکنون شاهد عرض اندام آنها در فضای سیاسی کشورهایی مانند اتریش، آلمان، هلند، سوئد، فرانسه و ... هستیم. راهیایی «مارین لوپن» نامزد جبهه ملی فرانسه به دور دوم و نهایی انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۷، تلنگر سختی برای اتحادیه اروپایی محسوب شد. با این حال به نظر می‌رسد سران اروپا قدرت «تحلیل وضعیت موجود» و در نتیجه «گذار به وضعیت مطلوب» را از دست داده باشند. ۴- طی ماه‌های آتی، انتخابات «پارلمان اروپا» در همه کشورهای عضو این مجموعه برگزار می‌شود. پیش‌بینی می‌شود ملی‌گرایان در این انتخابات بتوانند موقعیت خود را در پارلمان اروپا تقویت کرده و تحت تاثیر ناکارآمدی احزاب سنتی طرفدار اروپای واحد، پیروزی بزرگی را به نام خود ثبت کنند. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۴، بیش از ۱۰۰ نماینده وابسته به جریان‌های ملی‌گرا و راست افراطی توانستند به پارلمان اروپا راه پیدا کنند. این بار امکان دارد ملی‌گرایان کرسی‌های بیشتری را در پارلمان اروپا به کنترل خود درآورند.

ادامه در صفحه ۱۲